روزمرگی‌های محیط‌بان

همه آمده بودند

احمد بحری

● روز جمعه به مناسبت سیزدهم بهمن‌ماه، روز جهانی تالاب‌ها به همت جمعی از فعالان و دوستداران محیط‌زیست قم برنامه‌ای برای نجات تالاب بهشت معصومه قم برگزار شد. در این برنامه همه آمده بودند؛ از کودک پنج‌ساله تا مرد ۷۵ساله. همه با شوروشوق آمده بودند و با یک هدف دور هم جمع شده بودند و آن هم حفظ این تالاب ارزشمند در کنار شهر کویری قم بود. از اولین ساعات صبح تشکل‌های مردم‌نهاد و گروه‌های کوهنوردی با وسیله شخصی خود زودتر از ما به محل آمده و شروع به پاکسازی تالاب از زباله کرده بودند.

از روز قبل به من اطلاع داده بودند برای این برنامه، ساعت هفت صبح مقابل اداره باشم تا به اتفاق همکاران به محل برویم. از قبل هم با شهرداری قم هماهنگ شده بود که یک دستگاه لودر برای این برنامه به محل بفرستند. نحوه کار به این صورت بود که مسیرهایی که آب از تالاب به صورت هرز خارج می‌شد، مسدود شود و جاده‌های دسترسی متفرقه‌ای که توسط برخی شکارچیان احداث شده بود معدوم شوند. از روزهای گذشته هم کارشناسان اداره کل محیط‌زیست با حضور در محل به بررسی جوانب کار پرداخته بودند تا کار به نحو احسن انجام شود. طبیعت‌دوستانی که با فراخوان به تالاب آمده بودند به همراه خود بیل هم آورده بودند تا با دستان خود در این کار مهم شریک باشند. قرار بر این بود که پس از اتمام کار برای گشت و پایش به یکی دیگر از تالاب‌های استان به نام تالاب مره هم برویم تا روز جمعه‌مان پربارتر از قبل شود. به محض رسیدن به تالاب مره یک خودرو سواری را در کناری مشاهده کردیم و وقتی به آن رسیدیم مشکوک شدیم و از پنجره خودرو یک اسلحه شکاری را داخل آن مشاهده و شروع به بازرسی خودرو کردیم و مقادیری فشنگ به همراه اسلحه شکاری توقیف و صورت‌جلسه لازم را صادر کردیم. در ادامه با خودروی اداره تا مسیری که امکان داشت به صورت سواره رفتیم و مابقی مسیر تالابی را با تعویض پوتین‌هایمان با چکمه ضدآب به صورت پیاده طی کردیم. هدف ما از پیمایش پیاده، نزدیک‌شدن به دسته‌های مرغابی در محل بود تا بتوانیم ضمن ثبت آمار گونه‌های مختلف از آنها عکاسی هم بکنیم. در این مسیر موفق شدیم چند گونه جدید را هم مشاهده و از آنها عکاسی کنیم.

در حال حرکت داخل تالاب بودیم که ناگهان موبایلم زنگ خورد و از خانه به من اطلاع دادند دخترم حین بازی با بچه‌ها زمین خورده و دردی در دستش احساس می‌کند. این خبر مرا شوکه کرد و با همکاری همکارانم تصمیم گرفتیم فورا به شهر بازگردیم. طی مسافت تالاب با حساب مسیر پیاده‌ای که رفته بودیم، حداقل به دو ساعت زمان نیاز داشت. یکی از همکارانم که پشت فرمان نشسته بود با سرعت تمام به سمت شهر حرکت کرد. انگار برای دختر خودش اتفاقی افتاده باشد. به لطف ایشان مسیر طولانی را در کمترین زمان طی کردیم. به همسرم گفتم دخترمان را با آژانس به نزدیک‌ترین بیمارستان ببرد تا من هم خودم را برسانم. وقتی به بیمارستان رسیدم معاینه انجام شده بود و از دست راستش هم عکس گرفته بودند و باید دستش را گچ می‌گرفتند. کار گچ‌گیری انجام شد و بلافاصله به منزل برگشتیم.

عکس: ایسنا

گفت‌وگوی احمد طالبی‌نژاد با پرویز شهبازی به بهانه نمایش «مالاریا» در جشنواره

سد کرج، خلوت ذهنی من است

ششمین ساخته بلند پرویز شهبازی، این روزها در جشنواره بر پرده رفته و می‌رود. فیلمی درباره یک نسل، از نگاه فیلم‌سازی که نامش از سومین ساخته‌اش- نفس عمیق- به یک برند تبدیل شد. به این بهانه با وی به گفت‌وگو نشسته‌ام.

نکته مهم این است که تو در همه فیلم‌هایت از «مسافر جنوب» به بعد روی نسل‌ها متمرکز شده‌ای. این گرایش تا کی می‌تواند ادامه پیدا کند؟

خب ممکن است فیلم بعدی‌ام در فاز دیگری باشد. به هرحال سه، چهار فیلم با موضوع موقعیت نسل‌ها ساخته‌ام. راستش سلیقه‌های جوانان هم کمی عجیب و غریب شده و انگار دیگر نمی‌شناسمشان.

یکی از پرسش‌هایی که درمورد تو مطرح می‌شود این است که پرویز شهبازی پنجاه‌واندی‌ساله، از چه طریقی دنیای این جوان‌ها را شناخته است که به این خوبی در ساخته‌هایش منعکس می‌شود؟

بخش طنزآمیزش این است که من با جوان‌ها معاشرت دارم. بخش جدی‌ترش هم این که من در جامعه حضور دارم و در برج عاج خودم را مخفی نمی‌کنم. هرگز نمی‌توانم در یک اتاق دربسته بنشینم و به تخیلاتم درباره جوان‌ها تکیه کنم. همه چیز را از خودشان می‌گیرم.

خب این جوانان زبان، اصطلاحات، سلیقه و عادات و فرهنگ خودشان را دارند که حتما با سلیقه من و تو در این سن و سال تفاوت دارد. فاصله ما و پدرانمان فقط یک نسل بوده، اما فاصله جوانان امروزی با پدر و مادرشان به اندازه ۱۰ نسل است.

گفتم من برای پرکردن این فاصله، از خودشان می‌گیرم و به خودشان برمی‌گردانم. حتی وقتی بازیگرانم را انتخاب می‌کنم که اغلب هم از نابازیگر استفاده می‌کنم، شخصیتی را که نوشته‌ام به کاراکتر خود بازیگران نزدیک می‌کنم. فیلم‌نامه را بر مبنای آنچه از آنها می‌گیرم، بازنویسی می‌کنم و این بازنویسی تا مرحله فیلم‌برداری هم ادامه پیدا می‌کند. یکی از دلایلی هم که فیلم‌نامه را در اختیارشان نمی‌گذارم، این است که نوشته من یک‌جور اتود شخصیتی است و سر صحنه است که قوام پیدا می‌کند. به هر حال من نویسنده‌ام و به اندازه کافی روی تماتیک نوشته‌ام تسلط دارم تا دچار تم‌های اضافی و غیرضروری نشوم.

یعنی چه که فیلم‌نامه را در اختیار بازیگران قرار نمی‌دهی؟

دیالوگ‌هایی که نوشته‌ام و در فیلم‌نامه هست، همانی نیست که سر صحنه گفته می‌شود. به همین دلیل فیلم‌نامه را نمی‌دهم که بروند همان‌ها را حفظ کنند.

یعنی به سمت نوعی بداهه‌گویی می‌روی؟

نه اصلا. تا دیالوگ‌ها ثابت نشوند، پلان نمی‌گیرم ولی در مرحله تمرین، بعضی واژه‌ها را تغییر می‌دهم مثلا من نوشته‌ام «تو چه نسبتی با این خانم داری؟» به بازیگرم می‌گویم حرف درباره نسبت شما دو نفر است. تو چه جوری این را می‌گویی؟ مثلا او می‌گوید «من میگم تو کیه این میشی؟» خب این قالب دهان اوست و در عین حال حرف من را هم می‌زند. پس اجازه می‌دهم همان را بگوید.

به عبارت دیگر با فیلم‌نامه آهنین سر صحنه نمی‌روی؟

از نظر اسکلت‌بندی و ساختار روایی چرا؛ یعنی روایت‌ها کاملا مشخص است؛ حتی نقطه کات در مرحله تدوین را هم مشخص می‌کنم چون می‌دانی که خودم تدوین می‌کنم؛ مثلا جلوی دوربین به بازیگرم می‌گویم در این لحظه خاص دیگر پلک نزن. او نمی‌داند چرا، ولی من می‌دانم که این نقطه کات است. آنچه گفتم، فقط درباره دیالوگ‌هاست؛ آن هم به این خاطر که به شخصیت خود بازیگر نزدیک‌تر شود.

مضمون‌ها چه؟ مثلا مضمون همین فیلم «مالاریا»، چیزی است که شاید من هم نتوانم با آن ارتباط نزدیک برقرار کنم. این زندگی‌های به‌نوعی جمعی اما پراکنده و شکننده، آوارگی‌ها، دربه‌دری‌ها، اینها در نسل ما جور دیگری بود. این نوعی هیپی‌گری بدون آگاهی‌های فلسفی این جریان.

اینها را می‌شناسم. گفتم که من در بطن جامعه حضور دارم. من درباره موضوع‌هایی که می‌شناسم فیلم می‌سازم. کسی چیزی را به من تحمیل نمی‌کند.

در مورد استفاده از بازیگران ناشناس یا غیرحرفه‌ای، برخی می‌گویند چون شهبازی می‌داند فیلم‌هایش مخاطب دارد و می‌فروشد، از بازیگران غیرحرفه‌ای استفاده می‌کند که بخش عمده‌ای از بودجه فیلمش را بابت دستمزد بازیگران ندهد. البته این گرایش از نظر من یک رویکرد مثبت است چون مردم از چهره‌های تکراری خسته شده‌اند. هرچند برخی بازیگرانت کارشان را ادامه هم ندادند.

متوجهم چه می‌گویی. در ضمن یادت نرود نازنین بیاتی و مینا ساداتی حالا بازیگران مطرحی هستند. به‌هرحال مسئله اصلا اقتصادی نیست چون در ازای آن صرفه‌جویی فرضی، زمان فیلم‌برداری طولانی‌تر می‌شود. بازیگر حرفه‌ای طبق تجربه‌هایش می‌آید و در مثلا دو ماه نقش را بازی می‌کند و تمام. اما وقتی با بازیگر غیرحرفه‌ای کار می‌کنی، ممکن است یکی، دو ماه به زمان فیلم‌برداری افزوده شود. همین مالاریا، سه ماه و چند روز فیلم‌برداری شد. یعنی این صرفه‌جویی به قول تو جور دیگری جبران می‌شود. من به تازگی و بکربودن شخصیت‌ها فکر می‌کنم و اینکه تماشاگر ازشان پس‌زمینه ذهنی نداشته باشد.

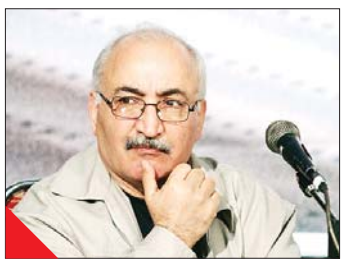

احمد طالبی‌نژاد

ولی استفاده از خانم نامداری به عنوان یک مجری معروف شناخته‌شده و از جمله سلیبریتی‌های سال‌های اخیر، با این حرفت تناقض دارد.

اتفاقا انتخاب او به دلیل همین سابقه بود. شخصیتی که در فیلم از او می‌بینم، اشاره دارد به یک چهره بانفوذ که می‌تواند بخشی از مشکلات این بچه‌ها را با نفوذش حل کند. این یک تیپ اجتماعی است که در جامعه ما حضور پررنگی هم دارد.

خب این رویه را در زمینه استفاده از نابازیگر همچنان ادامه خواهی داد؟

نمی‌دانم. مشکلی که پیش آمده، استفاده ما از اینستاگرام است برای انتخاب بازیگر. طبق آماری که داریم، نزدیک به هزارو ۵۰۰ دختر جوان از این طریق آمده‌اند تست داده‌اند. ۳۰ نفرشان را خودم از نزدیک دیدم و یک نفرشان انتخاب شد. یعنی هزار و ۴۹۹ نفرشان رد شدند. اینها همه هم اینستاگرام دارند و همه در مقابل فیلم جبهه می‌گیرند و به نوعی فضا را مسموم می‌کنند.

چرا از روش‌های دیگر مانند مراجعه به آموزشگاه‌های بازیگری یا از بچه‌هایی که در تئاتر مشغولند استفاده نمی‌کنی؟

اتفاقا ساغر قناعت که نقش اصلی را بازی کرده، دانشجوی تئاتر است.

نکته‌ای که در انتخاب‌هایت دیده می‌شود، این است که خیلی روی وجاهت منظر بازیگران تأکید نداری که بگوییم چون فلانی خوشگل بوده، انتخاب شده است.

من تا ۲۴ ساعت مانده به شروع فیلم‌برداری هم هنوز بازیگرانم را فیکس نکرده بودم. اینستاگرام یک امکان جدید بود برای انتخاب بازیگر، ولی عواقبش را نمی‌دانستم.

می‌دانیم که برسون هم به دلیل بکربودن آدم‌هایش، معمولا از بازیگران ناشناس استفاده می‌کرد. به‌هرحال در چنین شرایطی، فیلم‌ساز باید از چنان جایگاهی در اذهان عمومی برخوردار باشد که تماشاگران به اعتبار اسم خودش بروند فیلم را ببینند نه به خاطر بازیگران سرشناسش. واقعیت این است که ستاره‌ها هنوز هم حرف اول را در اقتصاد سینما می‌زنند؛ حتی اگر در فیلم‌های مزخرف هم بازی کنند. من تماشاگران خودم را دارم؛ یعنی کسانی که با نوع سینمای من و نگاهم آشنا هستند و من روی آنها حساب می‌کنم. به قول مایاکوفسکی دنبال حمام تماشاگر نیستم. دنبال همان ۳۰ درصد تماشگری هستم که با فیلم‌هایم آشنایند. تماشاگرانی که از نفس عمیق با من آمده‌اند و به این توجه نمی‌کنند که چه کسی بازی کرده و آیا ستاره‌ای در فیلم هست یا نه. اینها دنبال دنیای تازه‌ای هستند که در فیلم‌هایم وجود دارد. من شبیه هیچ‌کس دیگری فیلم نمی‌سازم.

ولی من فکر می‌کنم کارهایت به نوعی در تداوم ساخته‌های اولیه امیر نادری است. مثلا «خداحافظ رفیق» و «تنگنا»، چون او هم همین گرایش اجتماعی را داشت. درعین‌حال از ستاره‌ها هم استفاده نمی‌کرد. سعید راد بعد از تنگنا ستاره شد.

فکر نمی‌کنم این‌طور باشد. البته امیر نادری را خیلی دوست دارم، ولی فیلم‌های او در آن سال‌ها توأم با یک گرایش تند اجتماعی بود، درحالی‌که لحن فیلم‌های من مطلقا اجتماعی نیست و بیشتر درباره انسان هستند. البته می‌دانم که انسان یک ساختار اجتماعی هم دارد، اما دغدغه من اجتماع نیست، انسان است.

ناگزیر باید بگردیم دنبال حس و حال فلسفی. این هم که در فیلم‌هایت نیست.

چرا. اتفاقا مضامین عمیق فلسفی دارند، برای نمونه در همین «مالاریا»، مضامینی مثل آزادی، مالکیت، قانون، حق انتخاب و مسائلی از این دست مطرح است.

اینها بیشتر جنبه اجتماعی دارند تا فلسفی... .

کاملا جنبه فلسفی دارند. حتی می‌توانیم بگوییم فلسفی- سیاسی. وقتی کاراکتر من ماشینش سند ندارد و حتی بانک هم مالکیت او بر ماشین را نمی‌پذیرد، بیانگر این است که او نمی‌خواهد در این جهان هیچ نوع مالکیتی را بپذیرد. گفته‌اند «مالکیت یک توهم است»، بشر مالک چیزی نیست. فکر می‌کند مالک است؛ خب این یک نگرش فلسفی است دیگر. این مربوط به مملکت ما هم نمی‌شود. مسائلی از قبیل آزادی و رهاشدن از قیدوبند، قانون و مانند اینها صبغه جهانی دارد؛ این یک مضمون پایدار است. همین الان نفس عمیق را ببین، مضامینش تغییری نکرده است، همان آدم‌ها را در همین امروز هم می‌بینی. اگر کسی بیاید بگوید آذرخش در مالاریا یک آنارشیست مسالمت‌جو است، نمی‌گویم صددرصد درست می‌گوید، ولی نفی هم نمی‌کنم.

وقتی تقریبا همه آدم‌های این فیلم خارج از چارچوب یا عرف پذیرفته‌شده دارند حرکت می‌کنند، به‌هرحال رویکردی آنارشیستی را از خود بروز می‌دهند، ولی به قول خودت به صورت مسالمت‌جویانه.

این در ذات زندگی امروز جوانان در همه‌جای دنیا هست. من درباره یک نسل فیلم ساخته‌ام؛ نسلی از انسان‌ها که در این روزگار آشوب‌زده دنبال استقلال و امنیت خود هستند. من فکر می‌کنم باید درباره واژه آنارشیسم، با احتیاط بیشتری حرف بزنیم، زیرا از نظر فلسفی، آنارشیسم، به معنای هرج‌ومرج‌طلبی نیست، یک جنبه‌اش همین نفی مالکیت است. کسانی که خود را «ز هرچه رنگ تعلق پذیرد» آزاد می‌دانند، کسانی که مایلند درباره آنارشیسم بیشتر بدانند، بروند درباه میخائیل باکونین بخوانند؛ او نویسنده مهاجری است که از روسیه به اروپا رفت و از پایه‌گذاران فلسفه آنارشیسم است.

به گمان من «مالاریا» ادامه «نفس عمیق» است. یعنی من این را در ادامه «دربند» و «عیار ۱۴» نمی‌بینم. شروع و پایانش هم که خیلی شبیه «نفس عمیق» است؛ هر دو از آب و دریاچه پشت سد کرج شروع می‌شوند و در همان‌جا هم به پایان می‌رسند.

این دریاچه یک جور حیاط‌خلوت است برای من. وقتی می‌خواهم شخصیت‌هایم را به سرانجام برسانم یا معرفیشان کنم، می‌برمشان جایی که سرزمین ذهنی من است. اغلب نویسندگان این حیاط‌خلوت را دارند؛ مثلا ویلیام فاکنر، جایی داشت به نام «یوکنا پاتافا» که داستان‌هایش آنجا می‌گذشت. درعین‌حال این نوع شروع و پایان برایم نوعی فرم است و قالب روایی کار را زیبا هم می‌کند. دربند هم بین دو تونل شروع می‌شود. تماشاگران کارهای من با این فرم‌ها آشنایند، اینها همه نشانه‌اند؛ آب و کوه و طبیعت پاک.

و آن خورشیدی که پس از غرق‌شدن بچه‌ها در آب از فراز قله طلوع می‌کند.

بله. طلوع خورشید نشانه‌ای از امید به زندگی است.

ادامه در صفحه ۱۸

گزارش

گزارش اخیر شاخص EPI ایران بر مبنای اطلاعات سال ۲۰۱۴ است

● **شرق:** گزارش «شاخص عملکرد زیست‌محیطی» ۱۸۰ کشور جهان موسوم به EPI که اخیرا در مجمع جهانی اقتصاد در داووس منتشر شد، به صورت دوسالانه است و در اصل گزارش منتشرشده در سال ۲۰۱۶ براساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده در سال ۲۰۱۴ و بررسی‌های انجام‌شده روی این اطلاعات در سال ۲۰۱۵ است و ازاین‌رو به معنای رتبه ایران براساس عملکرد محیط‌زیستی در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ نیست.

زهرا جواهریان، مدیرکل دفتر توسعه پایدار و اقتصاد محیط زیست سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به گزارش منتشرشده درباره شاخص عملکرد محیط‌زیست ۱۸۰ کشور دنیا موسوم به EPI در هفته گذشته در مجمع جهانی اقتصاد، گفت: هدف از انتشار این گزارش دوسالانه که با همکاری مرکز قوانین و سیاست‌های زیست‌محیطی دانشگاه یل و مرکز بین‌المللی شبکه اطلاعات علوم زمین دانشگاه کلمبیا و توسط مجمع جهانی اقتصاد تهیه می‌شود، گوشزدکردن وضعیت محیط‌زیست کشورها و جهان به سیاست‌گذاران عرصه‌های مختلف به‌ویژه عرصه‌های توسعه‌ای است. جواهریان درباره منابع استفاده‌شده برای تهیه این گزارش، اظهار کرد: بانک جهانی برنامه عمران سازمان ملل متحد، سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد، گزارش‌های ملی کشورها و برخی گزارش‌های اخذشده از مراکز معتبر علمی و شناخته‌شده جهانی، مهم‌ترین منابع استفاده شده در تهیه این گزارش دوسالانه است.

مدیرکل دفتر توسعه پایدار و اقتصاد محیط زیست سازمان حفاظت محیط زیست ضمن یادآوری سابقه نخستین گزارش دوسالانه در سال ۲۰۰۶، افزود: از سال ۲۰۰۶ تاکنون شش گزارش EPI منتشر شده است و از نکات تأمل‌برانگیز این گزارش‌ها تأکید مداوم تهیه‌کنندگان آن بر نبود امکان قیاس رتبه‌ها و امتیازات اعلام‌شده در گزارش‌های دوسالانه سنوات مختلف با یکدیگر به دلیل تغییر و ارتقای مداوم شاخص‌های اندازه‌گیری است.

وی ادامه داد: به دلیل تغییر شاخص‌های اندازه‌گیری برای گزارش‌های دوسالانه، هر بار گزارش دیگری از سوی دانشگاه یل مبنی بر اعلام رتبه سنوات گذشته براساس آخرین شاخص‌های اعلام و اندازه‌گیری‌شده منتشر می‌شود که برای مثال در سال ۲۰۱۲، رتبه ایران در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۶ براساس شاخص‌های ۲۰۱۲ به ترتیب ۱۱۴، ۱۱۳ و ۱۱۱ اعلام شد. جواهریان با بیان اینکه شاخص‌های استفاده‌شده در گزارش منتشرشده در سال ۲۰۱۶، براساس اهداف توسعه پایدار اس‌دی‌جی (SDG) که به عنوان جایگزین اهداف هزاره در مجمع عمومی سازمان ملل و با حضور سران کشورهای دنیا به تصویب رسیده، انتخاب شده است، گفت: برای نمونه در گزارش منتشر شده، شاخص میزان مرگ‌ومیر کودکان که ایران از رتبه خوبی در آن برخوردار بود، حذف و از شاخص خطرات تهدیدکننده سلامت برای تمام سنین و جنسیت‌ها استفاده شده است. مدیرکل دفتر توسعه پایدار و اقتصاد محیط زیست سازمان حفاظت محیط‌زیست، حذف شاخص تخصیص یارانه به کشاورزی و مقررات آفت‌کش‌ها و جایگزینی آن با شاخص پایداری کشاورزی را که شامل کارایی استفاده از نیتروژن و تعادل نیتروژن است از دیگر تغییرات گزارش منتشرشده در سال ۲۰۱۶ دانست و افزود: ایران براساس شاخص پیشین در سال ۲۰۱۴ در این بند در رتبه ۱۷ قرار داشت و براساس شاخص نوین در رتبه ۶۸ قرار دارد.

جدول ۲۴۷۵ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مدرک- اندک و ناچیز- شهری در آلمان ۲- اهلی- ساقه خوراکی ترش و شیرین- اندیشمند ۳- پاک‌تر- دیندار- روز وصل دوستداران... باد ۴- پوشاک فصل سرما- مادر حضرت رسول(ص)- روستا ۵- هلی‌کوپتر- زبان مردم پاکستان- درون دهان ۶- کافی- بزرگ‌ترین سرخ‌رگ بدن- برداشت خاص از موضوعی ۷- کشیک، نگهبانی- مردم- قسمت‌های پایانی هر چیز ۸- پشت سر هم- ماده‌ای که تجزیه آن در طبیعت بسیار طولانی است- خمیازه ۹- لقب رستم دستان- شهری در فرانسه- جای ماسوره در چرخ خیاطی ۱۰- ترسناک- پرده‌داری خانه کعبه - شاه بی‌عاقبت! ۱۱- صدمه- مجلس شادمانی- رهاورد صنعت برای شهرها ۱۲- طویل‌ترین رود فرانسه- مقدور- بوته خربزه ۱۳- اختراع ادیسون- دریچه دهانه دوربین عکاسی- شهری در فرانسه ۱۴- ظلم و ستیز- ریحان- به‌هدررفته ۱۵- معشوق- شکایت نامه- ادا و اطوار.

عمودی:

۱- نوعی عفونت ویروسی دستگاه تنفس- رمانی نوشته الکساندر دومای پدر ۲- رمق آخر- انتزاعی- بی‌بصیرت ۳- ترموستات- امامان- از عیوب شعر ۴- اقامتگاه زمستانی- مقابل تقدم- مخفف اگر ۵- شیشه چراغ گردسوز- از لبنیات- از ورزش‌های توصیه‌شده اسلام ۶- مرطوب- شیوه و روش- پیشوای دین بودایی ۷- ضمیر دوم‌شخص مفرد- غده فوق کلیوی- رأی و نظری که جنبه مثبت یا منفی ندارد ۸- شمشیر تیز- بنیان‌نهادن- حمله برنده ۹- هادی الکتریسیته- گورستان زرتشتی‌ها- شکل ظاهری ۱۰- آوازه- سردار- ضربان ناشی از جریان خون ۱۱- یاری‌دهنده- کیسه‌کش حمام- کودک ۱۲- پوستین- به تنهایی- خداشناس ۱۳- گوشه‌ای در دستگاه همایون- نوعی نارنگی- کهن‌ترین قسمت اوستا ۱۴- یکی پس از دیگری- دانه‌ای ریز و لعابدار با مصرف دارویی- طاقچه قدیمی ۱۵- هر یک از اعضای طبقه متوسط شهری در واژگان مارکسیستی- سوره صدوچهارم قرآن.

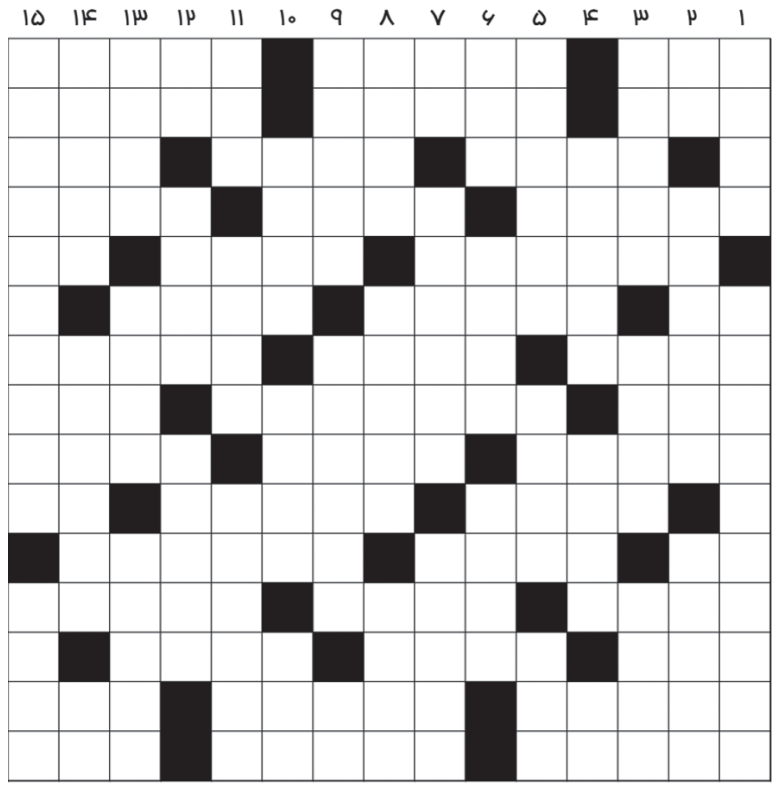

حل سودوکو سخت

۸	۶	۱	۳	۲	۵	۹	۷	۴
۴	۹	۷	۸	۶	۱	۲	۳	۵
۳	۵	۲	۹	۷	۴	۸	۱	۶
۱	۷	۵	۲	۳	۸	۴	۶	۹
۲	۳	۶	۴	۵	۹	۷	۸	۱
۹	۸	۴	۶	۱	۷	۳	۵	۲
۷	۱	۹	۵	۸	۲	۶	۴	۳
۵	۲	۳	۷	۴	۶	۱	۹	۸
۶	۴	۸	۱	۹	۳	۵	۲	۷

حل سودوکو ۱۴۷۱

۸	۵	۶	۳	۲	۷	۱	۹	۴
۷	۴	۱	۹	۸	۵	۳	۶	۲
۲	۹	۳	۴	۱	۶	۵	۸	۷
۵	۷	۲	۸	۶	۱	۴	۳	۹
۳	۶	۹	۵	۷	۴	۸	۲	۱
۱	۸	۴	۲	۳	۹	۶	۷	۵
۶	۲	۵	۱	۹	۳	۷	۴	۸
۹	۱	۷	۶	۴	۸	۲	۵	۳
۴	۳	۸	۷	۵	۲	۹	۱	۶

جدول ۲۴۷۴

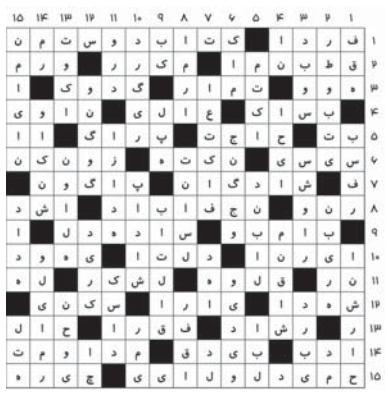

سودوکو سخت ۱۴۷۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۹							۵
	۸		۷	۴				۶
		۱		۵				۹
	۱	۳		۶			۲	
		۷	۴			۶		
			۳	۹	۲			
				۱	۵	۸		
			۸	۲	۳			
۸				۷	۴			

سودوکو ۱۴۷۲

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۷	۲		۸	۱			۴	
۴		۹		۷		۱		۳
۶	۱			۵			۲	۸
۱	۵		۷	۹				۴
	۷	۴		۶		۲		
۹					۲	۸		
۵			۶	۳			۸	۲
					۹	۵	۳	۶
۳			۴		۵			۷